

تحلیل نقش حکمرانی خوب در ارتقای توسعه انسانی: بررسی بین‌المللی

محسن امیدیان^۱، غلامرضا طالقانی^۲، فرشته محمدی^۳، جمال فیروزی^۴، حمیدرضا یعقوبی^۵، حمزه خواستار^۶

چکیده: پژوهش حاضر به بررسی تأثیر شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی می‌پردازد. در پژوهش پیش رو شاخص توسعه انسانی (HDI)، متغیر وابسته؛ ابعاد حکمرانی خوب، متغیرهای مستقل و توسعه فناوری ارتباطات متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده است. رویکرد پژوهش حاضر اقتصادسنجی است و از روش تحلیل داده‌های پانل و تحلیل رگرسیون GLS برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. یافته‌های تخمین مدل برای کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار در سال نشان می‌دهد ضریب متغیرهای کنترل فساد، ثبات سیاسی، اثربخشی حکومت، آزادی بیان و حق اظهار نظر و درصد کاربران اینترنت معنادار است و می‌توان برای تخمین توسعه انسانی از آنها استفاده کرد. همچنین معادله پیش‌بینی برای کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار در سال نشان می‌دهد ضرایب متغیرهای اثربخشی حکومت، مقررات تنظیمی و درصد کاربران اینترنت در مدل معنادارند. در نهایت بر اساس یافته‌ها در کشورهای آسیای جنوب غربی ضریب متغیرهای ثبات سیاسی و اثربخشی حکومت در معادله پیش‌بینی سطح توسعه انسانی معنادارند.

واژه‌های کلیدی: اینترنت، حکمرانی خوب، داده‌های پانل، روش GLS، شاخص توسعه انسانی.

۱. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش مدیریت منابع انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۵. کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۶. استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

نویسنده مسئول مقاله: محسن امیدیان

E-mail: mohsen_omidian@yahoo.com

مقدمه

در نخستین دوره مطالعات تطبیقی توسعه بین‌المللی، بیشتر شاخص‌هایی که برای مقایسه کشورهای استفاده می‌شدند، تک‌بعدی بودند و فقط یکی از ویژگی‌های جامعه مطالعه‌شده (اغلب درآمد سرانه یا تولید ناخالص داخلی) را برای شاخص توسعه در نظر می‌گرفتند؛ اما طی چند دهه اخیر تغییرات اساسی در این شاخص‌ها ایجاد شد و انواع جدیدی از شاخص‌های ترکیبی و چندبعدی طراحی شدند. از بین این شاخص‌ها می‌توان به شاخص حکمرانی خوب^۱ و شاخص توسعه انسانی^۲ اشاره کرد که هم‌اکنون مهم‌ترین ابزار سنجش موفقیت برنامه‌های توسعه و مدیریت دولتی به‌شمار می‌روند.

حکمرانی خوب ترکیبی از بهترین مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی منابع هر کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در الگوی حکمرانی خوب، نهادها و گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی و اجتماعی می‌توانند راهکارها و خواسته‌های مشروع و قانونی خود را در حکمرانی به‌کار بندند (صباغ و باسنا، ۱۳۸۸). این مفهوم براساس چارچوب بانک جهانی شش مؤلفه اصلی دارد. توسعه انسانی نیز به‌معنای فرایند گسترش سطوح انتخاب مردم و ارتقای سطح رفاه است (آناند و سن، ۱۹۹۶). توسعه انسانی بیان‌کننده آن است که هدف اصلی توسعه، بهره‌مند کردن واقعی انسان‌ها و کیفیت‌بخشیدن به زندگی آنهاست. در شاخص توسعه انسانی افزایش درآمد و گسترش اشتغال همچنان ضرورت و اولویت دارند، اما از آنها به‌مثابه ابزارهای توسعه یاد می‌شود نه اهداف آن (عباسی‌نژاد و رفیعی‌امام، ۱۳۸۵). شاخص توسعه انسانی مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شاخص برای تجزیه و تحلیل وضعیت مدیریت منابع انسانی و سرمایه‌های انسانی در سطح ملی است. به دلیل اهمیت شاخص توسعه انسانی، پژوهشگران روابط بین متغیرهای دیگر در سطح ملی و این شاخص را مطالعه کرده‌اند. شاخص توسعه انسانی از سه بعد طول عمر (امید به زندگی در بدو تولد)، میزان باسواد بزرگسالان و سرانه درآمد ناخالص داخلی واقعی تشکیل شده است. از نظر تدوین‌کنندگان این شاخص، نیروی انسانی مهم‌ترین دارایی کشورها به‌شمار می‌رود. از این رو در مباحث مدیریت منابع انسانی در بخش دولتی، می‌توان به داده‌های شاخص توسعه انسانی کشورها توجه کرد.

در پژوهش کنونی به بررسی نقش مؤلفه‌های حکمرانی خوب در ارتقای شاخص توسعه انسانی در کشورهای مختلف پرداخته می‌شود. داده‌های این پژوهش به‌صورت داده‌های پانل^۳

-
1. Good Governance
 2. Human Development Index
 3. Panel Data

است. این داده‌ها ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری زمانی هستند، یعنی اطلاعات داده‌های مقطعی در طول زمان مشاهده می‌شود. پرسش اصلی پژوهش به شرح زیر است:

آیا حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد؟

در راستای پاسخ به این پرسش متغیر توسعه فناوری ارتباطات، متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده است. آگاهی از تأثیر حکمرانی خوب در توسعه انسانی، موجب افزایش درک ما از روش‌های بهبود توسعه انسانی در کشورها می‌شود.

پیشینه پژوهش

حکمرانی خوب

خطمشی‌گذاران کشورهای در حال توسعه، همواره به دنبال یافتن راه‌های تسریع فرایند توسعه در کشورشان هستند. از این‌رو بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل و ویژگی‌های توسعه و شناخت آن برای آنها اهمیت بسزایی دارد و استفاده از شاخص‌ها و ملاک‌های نوین توسعه در این مسیر بدیهی و ضروری است (ماهانی و همکاران، ۱۳۸۹). دیدگاه‌های جدید به توسعه تنها فقر درآمدی را در نظر نمی‌گیرند، بلکه محرومیت از قابلیت‌ها را شاخص عقب‌ماندگی معرفی می‌کنند. این دیدگاه‌ها عوامل نهادی مانند نظام سیاسی و حکمرانی، خطمشی‌گذاری، فرهنگ سیاسی و غیره را وارد معادلات توسعه و رشد اقتصادی کردند. نظریه‌های نام‌برده، عامل اصلی عقب‌ماندگی برخی کشورها را کمبود سرمایه نمی‌دانند، بلکه دلیل آن را نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد معرفی می‌کنند.

حکمرانی خوب چارچوبی است که به مسئله کیفیت حکمرانی توجه دارد. حکمرانی خوب به دنبال شنیدن صدای عامه^۱ مردم در تصمیم‌گیری‌ها و خطمشی‌گذاری بخش دولتی است. از این طریق تصمیمات بیشتر به خواست‌ها و نیازهای اجتماعی نزدیک می‌شود و تحقق آرمان دموکراسی و مشارکت امکان‌پذیرتر خواهد شد. مفهوم حکمرانی خوب ترکیبی از بهترین مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی منابع کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در این چارچوب، نهادها و گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی و اجتماعی می‌توانند راهکارها و خواسته‌های مشروع و قانونی خود را در حکمرانی به کار بندند (صباغ و باسحا، ۱۳۸۸).

بانک جهانی پایه‌گذار مفهوم حکمرانی خوب است. ابتدا تمرکز اصلی بانک جهانی بر کوچک‌سازی دولت‌ها و ایجاد چابکی در آنها بود، اما هم‌اکنون بر افزایش ظرفیت‌ها و توانمندسازی دولت‌ها بیشتر تأکید می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). پس از بانک جهانی،

سایر نهادهای بین‌المللی مانند برنامه توسعه سازمان ملل^۱ و صندوق بین‌المللی پول بر توسعه مفهوم حکمرانی خوب و گسترش آن بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته اصرار کردند. هدف از حکمرانی خوب ایجاد تغییر و تحولاتی در مدیریت دولتی است که به دموکراسی و مشارکت شهروندان و همچنین توسعه اجتماعی - اقتصادی منجر شود. حکمرانی به معنای سیستمی پیچیده از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها، کارکردها و فرایندها است که سه ارزش اصلی پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت را دربردارد (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۴). حکمرانی خوب سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی به منافع خود دست می‌یابند و تعهدها را برآورده می‌کنند (ابراهیم‌پور و روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۶). حکمرانی خوب را می‌توان نوعی رویکرد هنجاری در نظر گرفت؛ چراکه نسبت به سایر دیدگاه‌های قبلی که اغلب به توصیف مفهوم حکمرانی و مدیریت دولتی می‌پرداختند، دستورالعمل‌ها و توصیه‌های بیشتری دارد. حکمرانی خوب به‌جای بیان «آنچه هست» به اظهارنظر درباره «آنچه باید باشد» می‌پردازد (گریندل، ۲۰۰۷).

شاخص‌های حکمرانی خوب از طریق نظرسنجی از مردم، شهروندان، بنگاه‌ها، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، مدیران و مأموران دولتی اندازه‌گیری می‌شود. مؤلفه‌های اصلی حکمرانی خوب عبارت‌اند از:

۱. حق اظهارنظر (VA)^۲: شاخص حق اظهارنظر بیان‌کننده مفاهیمی مانند حقوق سیاسی، آزادی بیان و اجتماعات، آزادی مطبوعات و فرایندهای برگزاری انتخابات است. بهبود در شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی می‌تواند موجب افزایش استانداردهای زندگی مردم شود. همچنین به صورت غیرمستقیم از طریق بهبود زیرساخت‌های آموزشی و برقراری عدالت آموزشی، موجب ارتقای سطح سواد عمومی می‌شود؛
۲. کنترل فساد (CC)^۳: هر کارمند و مسئول دولتی در به‌کارگیری تصمیم‌های اداری تحت‌تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی و دولت‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و از این مسیر مرتکب فساد می‌شود.
۳. ثبات سیاسی و دوری از خشونت (PS)^۴: ثبات سیاسی به مفاهیمی مانند ناآرامی و اعتراض‌های اجتماعی، وحشت‌افکنی و اعدام‌های سیاسی، کودتا و تنش‌های قومی اشاره می‌کند. ثبات سیاسی احتمال بروز انقلاب و تنش‌های خشونت‌آمیز از طریق کودتا و شورش را به حداقل می‌رساند.

1. United Nations Development Program
 2. Voice and Accountability
 3. Control of Corruption
 4. Political Stability

۴. حاکمیت قانون (RL)^۱: حاکمیت قانون به معنای تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهاست. این امر اعتماد فراوانی در تحریک سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند. حاکمیت قانون، همچنین از طریق حمایت از زیرساخت‌های نهادی سبب توسعه بازارها می‌شود. هدف از حاکمیت قانون، محافظت از شهروندان در برابر سوءاستفاده دولت و سیاستمداران از قدرت است (سامتی، رنجبر و محسنی، ۱۳۹۰).

۵. کیفیت بوروکراسی و مقررات تنظیمی (RQ)^۲: شاخص کیفیت بوروکراسی و مقررات تنظیمی، ابعادی مانند مقررات دست‌وپاگیر اداری، سطح مداخله دولت در اقتصاد، خط‌مشی‌های رقابتی و دسترسی به بازارهای سرمایه‌ای را دربردارد.

۶. اثربخشی دولت (GE)^۳: اثربخشی دولت شاخصی است که میزان موفقیت حکومت در حمایت از نظام مبتنی بر بازار را از طریق خط‌مشی‌گذاری مناسب می‌سنجد. مؤلفه‌هایی مانند توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت، در مبحث اثربخشی دولت درخور توجه‌اند (ماتسو، ۲۰۰۵).

حکمرانی خوب^۴ مترادف با اصطلاح دولت خوب^۵ نیست؛ چراکه دولت تنها به قوه مجریه اشاره دارد، درحالی‌که حکمرانی خوب قوای سه‌گانه و سایر نهادهای جامعه را دربرمی‌گیرد. دولت به ساختارهای نهادی رسمی و اختیار و استقلال در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد و حکمرانی بیان‌کننده رابطه بین دولت و نیروهای غیردولتی است (روی، ۲۰۰۸: ۶۷۷). دولت‌ها بیشتر بر خروجی‌ها^۶ تأکید دارند، درحالی‌که در حکمرانی بر پیامدها و نتایج^۷ تأکید می‌شود (مقیم‌ی و اعلائی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). بدین ترتیب حکمرانی به فرایندهای ارائه خدمات و کیفیت آنها توجه دارد. الگوی حکمرانی خوب به‌منزله یکی از راهکارهای مهم مبارزه با فساد نیز مطرح است (قلی‌پور، ۱۳۸۳). حکمرانی خوب نوعی رویکرد هنجاری به رابطه دوسویه بین دولت و بخش خصوصی و جامعه مدنی است. در این رویکرد کاهش فساد از کارویژه‌های برجسته به‌شمار می‌رود (جانسون، ۱۹۹۰). الگوی حکمرانی خوب از طریق ارتقای پاسخ‌گویی، افزایش شفافیت و حق اظهارنظر موجب شکل‌گیری دولتی کارآمد و شفاف می‌شود. در چنین دولتی حاکمیت قانون،

-
1. Role of Law
 2. Regulatory Quality
 3. Government Effectiveness
 4. Good governance
 5. Good government
 6. Output
 7. Outcome and results

شفافیت و قانونمندی خطمشی‌ها و استقلال جامعه مدنی موجب کاهش فساد خواهند شد (قلی‌پور، ۱۳۸۳).

شاخص توسعه انسانی

تا اوایل دهه هفتاد میلادی، اقتصاددانان و تحلیلگران مدیریت توسعه بر درآمد سرانه به‌منزله شاخص مقایسه بین کشورها تأکید بسیاری می‌کردند، اما اتکا به شاخص درآمد سرانه ملی به‌منزله شاخص توسعه نشان نمی‌دهد که کالاها و خدمات چگونه توزیع می‌شود و چه سطحی از عدالت در توزیع دستاوردها وجود دارد. همچنین میزان دستیابی به عدالت در جنبه‌های دیگر زندگی مانند بهره‌مندی از آموزش، بهداشت، حقوق اجتماعی و سایر موارد مهم را نمی‌توان محاسبه کرد (محمودی، ۱۳۸۷). این در حالی است که سطح دسترسی به منابع و امکانات مادی و معنوی و همچنین عدالت در توزیع دستاوردها و رعایت حقوق انسان‌ها می‌تواند به‌منزله شاخص کیفی نشان‌دهنده مقدار بهره‌مندی انسان‌ها باشد.

یکی از شاخص‌های مهم توسعه که هم‌اکنون در کانون توجه خطمشی‌گذاران، پژوهشگران و نهادهای بین‌المللی قرار دارد، شاخص توسعه انسانی (HDI) است. دامنه و قلمرو شاخص توسعه انسانی بسیار گسترده‌تر از شاخص درآمد سرانه است؛ زیرا در کنار ابعاد اقتصادی به ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز توجه می‌کند. مفهوم توسعه انسانی را اولین بار آناند و سن پی‌ریزی کردند. از دیدگاه این پژوهشگران، توسعه انسانی به‌معنای فرایند گسترش سطوح انتخاب مردم و ارتقای سطح رفاه است (آناند و سن، ۱۹۹۶)؛ به این مفهوم که هدف اصلی توسعه، بهره‌مند کردن واقعی انسان‌ها و کیفیت‌بخشیدن به زندگی آنهاست (عباسی‌نژاد و رفیعی امام، ۱۳۸۵).

توسعه انسانی از دیدگاه فلسفی به مفهوم توجه و احترام به فردیت انسان است، به این معنا که توسعه انسانی رسیدن فرد به آرزوها و خواسته‌هایش را هدف قرار می‌دهد و نمی‌خواهد انسان‌ها به‌منزله اجزای مجموعه‌ای یکدست‌شده، تابع الگوهای مادی و معنوی ثابت و یکنواختی باشند که برای یک جامعه در نظر گرفته شده است و بی‌توجه به تفاوت‌های فردی انسان‌ها به آن تکلیف و تحمیل می‌شود (محمودی، ۱۳۸۷).

با توجه به اهمیت شاخص توسعه انسانی، بانک جهانی در راستای پیمایش وضعیت کشورها و مناطق مختلف جهان، از سال ۱۹۹۶ به بعد، هر سال به ارزیابی و ارائه اطلاعات در قالب شاخص‌های جهانی توسعه اقدام می‌کند. هدف از این کار در اختیار قراردادن اطلاعات بین‌المللی برای پژوهشگران است تا از طریق آن بتوانند توسعه و سطح کیفیت زندگی مردم در کشورهای مختلف را مقایسه کنند.

طی چند سال اخیر سطح توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه نیم کره جنوبی بسیار زیاد بود. از این رو چارچوب‌هایی که پس از جنگ جهانی دوم برای تجزیه و تحلیل مسائل مدیریت تطبیق بین‌المللی به کار می‌رفت باید تغییر می‌کردند و چارچوب‌های مناسب‌تری انتخاب می‌شدند، این امر برای نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که در حال پایش توسعه کشورها و مناطق مختلف جهان هستند نیز صدق می‌کرد.

با توجه به داده‌های بانک جهانی، ایران در سال ۲۰۰۵ از نظر رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی بین کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی (حوزه مدنظر سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام) در رتبه دوازدهم قرار داشت. بررسی روند شاخص توسعه انسانی ایران در سه دهه اخیر این روند را صعودی گزارش می‌کند. همچنین بر اساس اجزای شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۵، امتیاز ایران در شاخص درآمد سرانه برابر ۰/۷۳۱، شاخص آموزش برابر با ۰/۷۹۲ و شاخص امید به زندگی برابر با ۰/۷۵۴ بود. بنابراین، شاخص دسترسی افراد جامعه به تحصیلات در مقایسه با سایر اجزای شاخص HDI بیشتر بوده است.

نتایج مطالعات در ایران (عباسی‌نژاد و رفیعی امام، ۱۳۸۵؛ حسینی، ۱۳۷۳) نشان می‌دهد به‌طور کلی سطح توسعه انسانی در روستاهای ایران بسیار کم است. برای مثال، نوبخش (۲۰۰۲) در پژوهشی به مقایسه ۲۶ استان ایران از نظر سطح توسعه انسانی پرداخت. بر اساس یافته‌های وی استان‌های تهران، قم و اصفهان بیشترین سطح توسعه انسانی را داشتند و استان‌های کردستان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان در رتبه‌های آخر قرار گرفتند. این پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر سطح ملی، از شاخص توسعه انسانی می‌توان برای مقایسه و بررسی تطبیقی بین استان‌های هر کشور و حتی شهرهای آن استفاده کرد.

پژوهش‌های مشابه (تقوایی، ۱۳۸۵؛ تقوایی و نوروزی، ۱۳۸۹؛ افشانی، ابراهیم‌پور و عسکری ندوشن، ۱۳۹۰) نیز نشان دادند نقاط روستایی استان‌های تهران، فارس و اصفهان بالاترین سطح توسعه انسانی را دارند و روستاهای استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی محروم‌ترین بخش کشورند. تفاوت بخش روستایی توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته کشور در سال‌های بررسی شده زیاد است و از نظر سطح توسعه، تفاوت زیادی بین این مناطق وجود دارد. این تفاوت طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ همچنان حفظ شده است.

اینترنت و فناوری‌های اطلاعات

آمدگی الکترونیکی به‌میزان توانایی کشور برای سودبردن از اینترنت به‌منزله موتور محرک رشد اقتصادی و توسعه انسانی گفته می‌شود (ضیایی‌پور، تقی‌زاده، بزازان، خوش‌الحان و محمدیان، ۲۰۰۹: ۹۹۴). مروری بر تجربه‌های اخیر دنیای در حال توسعه نشان می‌دهد کشورهایی که زمینه

مساعدی برای استفاده از ICT ایجاد کرده‌اند، آن را به‌منزله اولویت خط‌مشی‌گذاری تعیین کرده‌اند و دستیابی به این اولویت را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند (ژئوسینک، ۲۰۰۲: ۵). عزم این کشورها برای سهم‌آفرینی در دنیای دیجیتال با فعالیت‌های متمرکز و هدفمندی انعکاس می‌یابد که با برنامه‌های سطوح عالی پشتیبانی و مشارکت‌های پویای بخش دولتی و خصوصی حمایت و تقویت می‌شوند.

به‌طور کلی، ابزار آمادگی الکترونیکی، پدیده آمادگی الکترونیکی را در سطح ملی و از طریق بخش‌های کلیدی اقتصاد اندازه‌گیری می‌کنند و در کل، هر یک تعاریف متفاوتی از آمادگی الکترونیکی و فن‌های مخصوص به آن تعریف استفاده می‌کنند (بریج، ۲۰۰۵).

در ارزیابی‌های آمادگی الکترونیکی، رویکردهای عددی - که به هر کشور نمره‌ای اختصاص می‌دهد - به‌صورت گسترده پذیرفته شده است. این نمره‌ها بر این اساس که هر کشور چقدر توانسته است بر جزء خاصی از معیارهای آمادگی الکترونیکی خوب عمل کند، اختصاص داده می‌شود. بسته به اهمیت نسبی معیارها، میانگین وزنی به اجزای آمادگی الکترونیکی اختصاص داده می‌شود تا سطح آمادگی الکترونیکی کشورها را تعیین کند (ریزک، ۲۰۰۴: ۲).

یکی از معیارهای مهم ارزیابی آمادگی الکترونیک در کشورها، میزان دسترسی شهروندان به اینترنت است که بانک جهانی این شاخص را هر سال محاسبه می‌کند. در این شاخص میزان دسترسی شهروندان به اینترنت به‌ازای هر صد نفر محاسبه می‌شود. در پژوهش حاضر، این متغیر، به‌منزله متغیر تعدیل‌کننده رابطه بین حکمرانی خوب و شاخص توسعه انسانی استفاده شده است.

چارچوب نظری پژوهش: نقش حکمرانی خوب در توسعه انسانی

حق اظهار نظر و توسعه انسانی

دموکراسی و آزادی سیاسی از جمله عوامل آگاهی بخشی‌اند که خواسته‌های مردم را از حکومت‌ها شکل می‌دهند. بدون آزادی سیاسی، شهروندان نمی‌توانند به عضویت گروه‌ها و نهادهای اجتماعی درآیند و ایده‌های خود را به گوش حاکمیت برسانند. دولت‌هایی که در زمینه این شاخص موفق‌ترند از حقوق بشر حمایت می‌کنند و امکان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورند. حق اظهار نظر سبب می‌شود که سطح عمومی آگاهی شهروندان افزایش یابد و عملکرد و برنامه‌های دولتی نقد و بررسی شود. بدین ترتیب دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به مطالبات مردم ناچار به افزایش کیفیت عملکردشان هستند. توسعه آزادی‌های مشروع بیان و اندیشه، موجب افزایش احساس امنیت و ثبات اجتماعی نیز می‌شود؛ چراکه واقعیت‌ها را پژوهشگران، تحلیلگران و رسانه‌های داخلی اعلام می‌کنند. به باور انجمن و

ساکولوف (۲۰۰۵) گسترش آزادی مدنی موجب ارتقای سطح سرمایه انسانی کشورها می‌شود. این امر بر اثر پاسخ‌گوتر شدن دولت‌ها به وجود می‌آید. شاخص حق اظهارنظر بیان‌کننده مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و اجتماعات، آزادی مطبوعات و فرایندهای برگزاری انتخابات است. بهبود در شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی می‌تواند موجب افزایش استانداردهای زندگی مردم شود. همچنین به صورت غیرمستقیم، از طریق بهبود زیرساخت‌های آموزشی و برقراری عدالت آموزشی موجب ارتقای سطح سواد عمومی می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد که حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی به صورت مستقیم بر توسعه انسانی در کشورهای مطالعه‌شده اثرگذار باشد، این مسئله درباره کشورهای که نظام صیانت از حقوق مدنی و سازوکارهایی برای مشارکت سیاسی دارند با هزینه‌های کم و منافع بیشتری رخ می‌دهد.

کنترل فساد و توسعه انسانی

فساد اداری، به کارگیری و سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی تعریف می‌شود. دیدگاه‌های مختلف و گاه متناقضی درباره تأثیر فساد بر رشد اقتصادی وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی معتقدند فعالیت‌های فاسدی مانند رشوه‌دادن از طریق کاهش بوروکراسی اداری، موجب رشد می‌شود. همچنین پرداخت رشوه در قالب پورسانت، انگیزه مدیران دولتی را افزایش می‌دهد؛ اما در مقابل، برخی پژوهشگران معتقدند فساد به روش‌های متنوع سبب کاهش رشد می‌شود. در زمینه توسعه انسانی نیز به نظر می‌رسد که فساد اداری موجب کاهش سطح توسعه انسانی می‌شود. فساد اداری از طریق ایجاد بی‌عدالتی، سطح سواد و کیفیت آموزش جامعه را به شدت کاهش می‌دهد. همچنین فساد اداری از طریق تمرکز قدرت در دست عده‌ای از سودجویان، موجب کاهش رفاه عمومی می‌شود؛ چراکه منافع خصوصی بر منافع عمومی برتری می‌یابد و این امر سبب می‌شود میزان سرانه درآمد ملی کاهش پیدا کند (بندسن، مالچومولر و وینتن، ۲۰۰۵؛ مائورو، ۱۹۹۵).

ثبات سیاسی و دوری از خشونت و توسعه انسانی

ثبات سیاسی به مفاهیمی مانند ناآرامی و اعتراض‌های اجتماعی، وحشت‌افکنی و اعدام‌های سیاسی، کودتا و تنش‌های قومی اشاره دارد. برقراری ثبات سیاسی در هر کشور، احتمال بروز انقلاب و تنش‌های خشونت‌آمیز را از طریق کودتا و شورش کاهش می‌دهد. این امر از ریسک سرمایه‌گذاری می‌کاهد و موجب تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی می‌شود. همچنین ایجاد ثبات سیاسی سبب می‌شود تمایل به مهاجرت نخبگان تا حد زیادی کاهش یابد. کاهش نرخ

مهاجرت نخبگان سبب افزایش سطح توسعه انسانی می‌شود. ثبات سیاسی از طریق افزایش سرمایه، توانمندسازی نیروی کار و ارتقای سطح درآمد سرانه، می‌تواند بر توسعه انسانی اثر مثبت بگذارد. علاوه بر این، ثبات سیاسی شاخص امید به زندگی و سطح سواد را ارتقا می‌دهد. بی‌ثباتی سیاسی موجب کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در کشور می‌شود و به سبب آن، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت کاهش می‌یابد و در مقابل، طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و با بهره‌وری کم جایگزین می‌شود (فوسو، ۲۰۰۱).

حاکمیت قانون و توسعه انسانی

در مدل حکمرانی خوب، همه افراد و نهادها در برابر قوانین مسئول اعمال خود هستند. هدف از حاکمیت قانون محافظت از شهروندان در برابر سوءاستفاده دولت و سیاستمداران از قدرت است. حاکمیت قانون به معنای تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهاست. این امر اعتماد فراوانی در تحریک سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند. حاکمیت قانون، همچنین از طریق حمایت از زیرساخت‌های نهادی سبب توسعه بازارها می‌شود (گریف، ۲۰۰۵). هر مبادله‌ای در بازار به ساختار قانونی نیاز دارد که حقوق خریداران و فروشندگان را به رسمیت بشناسد. علاوه بر آن، حاکمیت قانون سبب تشویق کارآفرینی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک می‌شود. یکی از موانع مهم رشد کارآفرینی و برانگیخته شدن کارآفرینان، اجرائشده اصل حاکمیت قانون است. عمده‌ترین شاخص‌های حاکمیت قانون شامل اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، جرم‌های سازمان‌یافته و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت است. حاکمیت قانون و حمایت از مالکیت و حقوق مردم موجب می‌شود انگیزه‌های کار و سرمایه‌گذاری در کشور افزایش یابد. از این طریق درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت. حاکمیت قانون به صورت غیرمستقیم نیز می‌تواند موجب ایجاد عدالت در رویه‌های آموزشی، جلوگیری از سوءاستفاده دولتمردان از قدرت و افزایش امید به زندگی در کشور شود. از این رو حاکمیت قانون موجب توسعه انسانی و ارتقای شاخص‌های آن خواهد شد.

کیفیت بوروکراسی و مقررات تنظیمی و توسعه انسانی

شاخص کیفیت بوروکراسی و مقررات تنظیمی، ابعادی مانند مقررات دست‌وپاگیر اداری، میزان مداخله دولت در اقتصاد، خط‌مشی‌های رقابتی و دسترسی به بازارهای سرمایه‌ای را دربردارد. این ابعاد از جنبه‌های گوناگون و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانند بر شاخص‌های توسعه انسانی تأثیر بگذارند. این تأثیرگذاری به صورت مستقیم و مثبت است؛ یعنی هر چه بر کیفیت بوروکراسی افزوده شود، میزان توسعه انسانی در کشور افزایش می‌یابد.

کیفیت مقررات به معنای شیوه استفاده دولت از ابزار قانون برای دستیابی به اهداف توسعه است. از طریق این ابزار قدرتمند، دولت می‌تواند نهادهای جدیدی تعریف و مستقر کند. قوانین مناسب همچنین بستر همکاری مناسب سایر نهادها را فراهم می‌آورد (رنانی، ۱۳۸۳).

مقررات ایجادشده دولت باید از ویژگی شفاف‌ترکردن ساختارها یا سازوکارهای موجود برخوردار باشد. همچنین مقررات و قوانین باید موجب برابری فرصت‌ها از طریق تضعیف و حذف رویه‌ها و سازوکارهایی شود که منشأ ایجاد نابرابری فرصت‌هاست. درنهایت قوانین دولت باید سطح نظام حقوقی و آموزشی و سرمایه انسانی دستگاه‌های مرتبط با حقوق مالکیت را ارتقا دهند.

اثربخشی دولت و توسعه انسانی

اثربخشی دولت شاخصی است که میزان موفقیت حکومت در حمایت از نظام مبتنی بر بازار را از طریق خطامشی‌گذاری مناسب می‌سنجد. مؤلفه‌هایی مانند توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت در مبحث اثربخشی دولت، درخور توجه‌اند (ماتسو، ۲۰۰۵). در مدل ایده‌آل حکمرانی خوب، نهادها و فرایندهای حکمرانی نتایج و تأثیراتی دارند که نیازهای اجتماع را تأمین می‌کنند و به بهترین شیوه از منابع بهره می‌برند. در این مدل، دولت از طریق نهادسازی مناسب، توسعه را تقویت می‌کند، حقوق مالکیت را محترم می‌شمارد، مانع رانت‌خواری می‌شود و از طریق ایجاد قوانین و مقررات مناسب هزینه مبادله شهروندان را به حداقل می‌رساند.

از این نظر می‌توان اثربخشی دولت را نیز جزء عوامل مؤثر بر توسعه انسانی در کشور دانست. دولتی که در نظام خطامشی‌گذاری و اجرا اثربخشی داشته باشد، موجب می‌شود که سطح رفاه عمومی و شاخص‌های امید به زندگی مردم رشد کند.

توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و حکمرانی خوب

فناوری‌های جدید امکان بازمهندسی فرایندهای دولت^۱ را فراهم می‌آورند و از این طریق موجب افزایش دسترسی، تقویت کارایی و بهبود پاسخ‌گویی دولت می‌شوند. توسعه اینترنت و زیرساخت‌های فضای سایبر، ابزاری برای خدمات‌رسانی عمومی معرفی شده‌اند. این ابزار به خدمت‌رسانی با کیفیت، کاهش بوروکراسی اداری و افزایش رضایت شهروندان کمک می‌کند. دولت‌ها با مشاهده موفقیت بخش خصوصی در استفاده از فناوری اینترنت، استفاده از این فناوری برای ارائه خدمات به ذهن آنها خطور کرد. هم‌اکنون در پی دستیابی به دولت الکترونیک و حکمرانی الکترونیک، پژوهش‌های بسیاری اجرا شده است (مقیمی و اعلائی، ۱۳۹۰).

1. Government Process Re-engineering (GPR)

فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایجاد فرایندهای مد نظر حکمرانی خوب، اهمیت بسزایی دارد. سازمان‌های بخش دولتی از طریق به‌کارگیری فناوری‌های ارتباطی می‌توانند کارایی، اثربخشی و بهره‌وری خود را افزایش دهند. همچنین دولت‌ها می‌توانند از طریق اینترنت به چالش مدیریت ارتباط با شهروندان پاسخ دهند. رشد فناوری ارتباطات، سطح مشارکت و به‌تبع آن شاخص دموکراسی را در کشورها افزایش می‌دهد (پولات، ۲۰۰۵). اگرچه رشد فناوری‌های اطلاعاتی به تنهایی موجب بهبود حکمرانی نمی‌شود، این هدف به راهبردهایی نیاز دارد که باید در قالب بهبود عملیات، فرایندها و سطوح همکاری بین بخش‌های مختلف تعریف شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع روش‌های اقتصادسنجی است. در پژوهش پیش رو، مدل پیشنهادشده از طریق داده‌های پانل و به‌کمک روش رگرسیون بررسی می‌شود. داده‌های پانل ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری زمانی است؛ یعنی اطلاعاتی که درباره داده‌های مقطعی است در طول زمان مشاهده می‌شود.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد است و تمام این کشورها برای نمونه آماری انتخاب شدند. در این بین فقط کشورهایی حذف شدند که داده‌های آنها برای دوره زمانی مد نظر در دسترس نبود. برای مثال سودان جنوبی، شوری سابق، آلمان غربی و شرقی، یوگسلاوی و برخی از کشورهای دیگر را می‌توان نام برد که به‌دلیل نداشتن اطلاعات از نمونه پژوهش حذف شدند.

بدین ترتیب داده‌های پژوهش را اطلاعات ۱۷۳ کشور بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ شکل می‌دهد. در مطالعه حاضر داده‌های شاخص توسعه انسانی از وبسایت برنامه توسعه سازمان ملل استخراج شد، داده‌های ابعاد حکمرانی خوب از وبسایت بانک جهانی به‌دست آمد و داده‌های میزان دسترسی به اینترنت از وبسایت بانک جهانی جمع‌آوری شد.

جدول ۱. منابع دستیابی به داده‌های پژوهش

منبع دستیابی به اطلاعات	شاخص	عنوان شاخص
(UNDP 2013) http://hdrstats.undp.org/	شاخص توسعه انسانی	HDI
World Bank http://info.worldbank.org/	حکمرانی خوب	Good Governance
World Bank http://info.worldbank.org/	درصد کاربران اینترنت	Internet

تمام امتیازهای اختصاص یافته به نماگرهای حکمرانی خوب بین ۲/۵- تا ۲/۵ قرار دارند. امتیازهای بالاتر و مثبت به معنای موفقیت بیشتر آن کشور در زمینه نماگر مد نظر است. داده‌های کیفیت حکمرانی تابعی خطی از یکسری داده‌های ذهنی است. این داده‌ها بر اساس ویژگی‌های حکمرانی هر کشور از منابع اطلاعاتی متنوعی گردآوری شده‌اند.

ابعاد سه‌گانه توسعه انسانی شاخص‌های امید به زندگی، سطح سواد و میزان رفاه را دربردارد. شاخص امید به زندگی از میزان امید به زندگی در کشور به دست می‌آید. سطح سواد از ترکیب درصد سواد بزرگسالان و میانگین ثبت نام دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان محاسبه می‌شود. شاخص استاندارد زندگی GDP تعدیل شده، در نظر گرفته می‌شود. هر یک از این ابعاد بین صفر (کمترین) تا یک (بیشترین) قرار می‌گیرند. شاخص توسعه انسانی برابر با میانگین حسابی این سه شاخص است (ساگار و نجم، ۱۹۹۸).

در پژوهش حاضر الگویی به کار می‌رود که در آن شاخص توسعه انسانی (HDI) متغیر وابسته است و ابعاد حکمرانی خوب متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شوند. همراه با متغیرهای مستقل از متغیر اضافه «توسعه فناوری ارتباطات» برای کامل کردن الگو استفاده خواهد شد. بنابراین، مدل پیشنهادشده این پژوهش به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Hit = \beta_0 + \beta_1 VA_{it} + \beta_2 PS_{it} + \beta_3 GE_{it} + \beta_4 RQ_{it} + \beta_5 RL_{it} + \beta_6 CC_{it} + \beta_7 int_{it} \quad (1 \text{ مدل})$$

که در این مدل، HDI نشان‌دهنده شاخص توسعه انسانی، VA معرف حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، PS ثبات سیاسی و دوری از خشونت، GE اثربخشی دولت، RQ کیفیت مقررات تنظیمی و بوروکراسی، RL حاکمیت قانون، CC مبارزه با فساد و int درصد کاربران اینترنت است. اندیس‌های i و t نیز بیان‌کننده کشور و سال هستند.

در پژوهش پیش رو برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اجرای آزمون مدل، از تحلیل داده‌های پانل و تحلیل رگرسیون به روش GLS استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

جدول ۲ داده‌های استفاده شده در پژوهش و برخی ویژگی‌های توصیفی آنها را به نمایش گذاشته است. در روش تخمین داده‌های ترکیبی، پس از وارد کردن متغیر تعدیل‌کننده (درصد کاربران اینترنت)، هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش در معادله جداگانه‌ای وارد مدل می‌شوند. هدف از این کار محاسبه و تخمین مدل برای هر یک از این متغیرهاست (جدول ۳).

جدول ۲. بیان توصیفی داده‌های پژوهش

نام متغیر	تعداد مشاهده	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
شاخص توسعه انسانی	۱۲۰۹	۰/۶۴۹	۰/۱۷۶	۰/۲۶	۰/۹۴۳
حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی	۱۲۰۹	-۰/۰۹۸	۰/۹۷۶	-۲/۲۲۱	۱/۷۶۷
ثبات سیاسی و دوری از خشونت	۱۲۰۹	-۰/۱۳۴	۰/۹۵۵	-۲/۲۸۵	۱/۵۸۸
اثربخشی دولت	۱۲۰۶	-۰/۰۶۰	۰/۹۷۷	-۱/۷۸۶	۲/۴۰۷
کیفیت مقررات تنظیمی	۱۲۰۶	-۰/۰۴۷	-۰/۹۵۵	-۲/۲۵۱	۱/۹۳۱
حاکمیت قانون	۱۲۰۹	-۰/۱۱۱	۰/۹۸۴	-۱/۹۵۵	۲/۰۰۱
مبارزه با فساد	۱۲۰۶	-۰/۰۹۵	۰/۹۹۲	-۱/۷۲۸	۲/۴۵۷
درصد کاربران اینترنت	۱۱۷۸	۲۷/۴۱۲	۲۶/۵۱	۰/۰۶۵	۹۶/۶۱

جدول ۳. تخمین داده‌های ترکیبی تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی

معادله اول	معادله دوم	معادله سوم	معادله چهارم	معادله پنجم	معادله ششم	معادله هشتم
مقدار ثابت	۰/۴۹۹ (۰/۰۰۰)	۰/۵۱۳ (۰/۰۰۰)	۰/۵۲۴ (۰/۰۰۰)	۰/۵۶۰ (۰/۰۰۰)	۰/۵۲۸ (۰/۰۰۰)	۰/۵۵۶ (۰/۰۰۰)
درصد کاربران اینترنت	۰/۰۰۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۳۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۴ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۴ (۰/۰۰۰)
حق اظهار نظر	۰/۰۱۷ (۰/۰۰۰)					-۰/۰۰۵ (۰/۲۵۰)
ثبات سیاسی		۰/۰۳۳ (۰/۰۰۰)				۰/۰۳۴ (۰/۰۰۰)
اثربخشی دولت			۰/۰۶۵ (۰/۰۰۰)			۰/۱۲۳ (۰/۰۰۰)
کیفیت مقررات			۰/۰۴۵ (۰/۰۰۰)			۰/۰۰۲ (۰/۷۴۸)
حاکمیت قانون				۰/۰۴۲ (۰/۰۰۰)		۰/۰۰۴ (۰/۰۰۰)
مبارزه با فساد					۰/۰۲۵ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۲۰ (۰/۰۷۳)

تخمین مدل برای کشورهای با GDP کمتر از ۶۸۰۰ دلار در سال

برای شناخت بهتر رابطه بین متغیرهای پژوهش، به دسته‌بندی رابطه مد نظر بر اساس میزان سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها اقدام شد. برای این منظور میانۀ داده‌های سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها محاسبه شد که این رقم برابر ۶۸۰۰ دلار به دست آمد. جدول ۴ این تخمین را برای کشورهایی نشان می‌دهد که سرانه تولید ناخالص داخلی آنها کمتر از ۶۸۰۰ دلار در سال است.

جدول ۴. نتایج تخمین مدل برای کشورهای با GDP کمتر از ۶۸۰۰ دلار در سال

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	مقدار z	P> z	مقدار اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
کنترل فساد	-۰/۰۷۵۸	۰/۰۱۵۵	-۴/۸۹	۰/۰۰۰	-۰/۱۰۶۳	-۰/۰۴۵۴
ثبات سیاسی	۰/۰۲۴۱	۰/۰۰۶۳	۳/۸۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۱۷	-۰/۰۳۶۵
اثربخشی حکومت	۰/۱۴۰۷	۰/۰۱۸۵	۷/۶۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۴۴	۰/۱۷۷۱
حاکمیت قانون	-۰/۰۱۰۴	۰/۰۱۶۰	-۰/۶۵	۰/۵۱۶	-۰/۰۴۱۸	-۰/۰۲۱۰
مقررات تنظیمی	-۰/۰۲۴۸	۰/۰۱۵۱	-۱/۶۵	۰/۱۰۰	-۰/۰۵۴۴	-۰/۰۰۴۷
آزادی بیان و حق اظهارنظر	۰/۰۱۷۹	۰/۰۰۷۸	۲/۲۸	۰/۰۲۳	۰/۰۰۲۵	۰/۰۳۳۳
درصد کاربران اینترنت	۰/۰۰۶۶	۰/۰۰۰۵	۱۲/۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵۶	۰/۰۰۷۶
مقدار ثابت	۰/۵۰۴۵	۰/۰۱۰۱	۴۹/۵۷	۰/۰۰۰	۰/۴۸۴۵	۰/۵۲۴۴

بر اساس یافته‌ها، ضرایب کنترل فساد، ثبات سیاسی، اثربخشی حکومت، آزادی بیان و حق اظهارنظر و درصد کاربران اینترنت، معنادار است. با توجه به این یافته‌ها، معادله تخمین سطح توسعه انسانی در کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار در سال به ترتیب زیر است:

$$HDI_{it} = ۰/۵۰۴۵ + ۰/۰۱۷۹VA_{it} + ۰/۰۲۴۱PS_{it} + ۰/۱۴۰۷GE_{it} - ۰/۰۷۵۸CC_{it} + ۰/۰۰۶۶int_{it} \quad (۱)$$

که در این مدل، HDI معرف شاخص توسعه انسانی، VA حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، PS ثبات سیاسی و دوری از خشونت، GE اثربخشی دولت، CC مبارزه با فساد، و int درصد کاربران اینترنت است.

تخمین مدل برای کشورهای با GDP بالاتر از ۶۸۰۰ دلار در سال

همان گونه که گفته شد، کشورها از نظر سطح سرانه تولید ناخالص داخلی به دو گروه دسته‌بندی شدند. گروه دوم کشورهایی با سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار هستند. نتایج تخمین مدل برای این گروه از کشورها در جدول ۵ درج شده است.

جدول ۵. نتایج تخمین مدل برای کشورهای با GDP بیشتر از ۶۸۰۰ دلار در سال

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	مقدار z	P> z	مقدار اطمینان ۹۵٪	
					حد بالا	حد پایین
کنترل فساد	-۰/۰۰۶۷	۰/۰۰۷۶	-۰/۸۸	۰/۳۷۶	-۰/۰۲۱۶	۰/۰۰۸۱
ثبات سیاسی	-۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۴۱	۱/۱۳	۰/۲۵۸	-۰/۰۰۳۴	۰/۰۱۲۹
اثربخشی حکومت	-۰/۰۲۱۹	۰/۰۱۰۲	۲/۱۴	۰/۰۳۲	-۰/۰۰۱۸	۰/۰۴۲۰
حاکمیت قانون	-۰/۰۰۹۶	۰/۰۱۱۰	۰/۸۷	۰/۳۸۳	-۰/۰۱۱۹	۰/۰۳۱۲
مقررات تنظیمی	۰/۰۲۱۱	۰/۰۰۷۰	۳/۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷۳	۰/۰۳۴۹
آزادی بیان و حق اظهار نظر	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۳۸	۰/۵۷	۰/۵۷۰	-۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۹۶
درصد کاربران اینترنت	-۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۰۱	۱۱/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۲۰
مقدار ثابت	۰/۶۷۳۱	۰/۰۰۶۰	۱۱۱/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱۳	۰/۶۸۵۰

با توجه به این یافته‌ها، ضرایب اثربخشی حکومت، مقررات تنظیمی و درصد کاربران اینترنت در مدل معنادارند. بدین ترتیب معادله پیش‌بینی سطح توسعه انسانی در کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار در سال به ترتیب زیر است:

$$HDI_{it} = ۰/۶۷۳۱ + ۰/۰۲۱۹GE_{it} + ۰/۰۲۱۱RQ_{it} + ۰/۰۰۱۷int_{it} \quad \text{رابطه ۲}$$

که در این مدل، HDI شاخص توسعه انسانی، GE اثربخشی دولت، RQ کیفیت مقررات تنظیمی و بوروکراسی و int درصد کاربران اینترنت است.

تخمین برای کشورهای آسیای جنوب غربی

سومین گروه از کشورهایی که در این پژوهش مد نظر است، شامل کشورهای تصریح‌شده در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران می‌شود که در منطقه آسیای جنوب غربی قرار دارند. نتایج تخمین مدل برای این گروه از کشورها در جدول ۶ درج شده است.

جدول ۶. نتایج تخمین مدل برای کشورهای آسیای جنوب غربی

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	مقدار z	P> z	مقدار اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
کنترل فساد	-۰/۰۰۸۲	۰/۰۲۰۵	-۰/۴۰	۰/۶۸۹	-۰/۰۴۸۶	۰/۰۳۲۱
ثبات سیاسی	۰/۰۵۳۷	۰/۰۰۶۵	۸/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۰۴۰۹	۰/۰۶۶۴
اثر بخشی حکومت	۰/۰۸۹۸	۰/۰۲۳۷	۳/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۳۳	۰/۱۳۶۲
حاکمیت قانون	۰/۰۱۱۳	۰/۰۱۹۷	۰/۵۷	۰/۵۶۵	-۰/۰۲۷۳	۰/۰۴۹۹
مقررات تنظیمی	-۰/۰۲۲۱	۰/۰۱۴۲	-۱/۵۵	۰/۱۲۲	-۰/۰۵۰۱	۰/۰۰۵۸
آزادی بیان و حق اظهار نظر	-۰/۰۱۹۳	۰/۰۱۱۸	-۱/۶۳	۰/۱۰۴	-۰/۰۴۲۶	۰/۰۰۳۹
درصد کاربران اینترنت	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۳	۱/۴۹	۰/۱۳۶	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱۳
مقدار ثابت	۰/۶۸۷۹	۰/۰۱۴۲	۴۸/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۶۶۰۰	۰/۷۱۵۸

با توجه به این یافته‌ها، ضرایب ثبات سیاسی و اثر بخشی حکومت در مدل معنادارند. بدین ترتیب معادله پیش‌بینی سطح توسعه انسانی در کشورهای آسیای جنوب غربی به صورت رابطه ۳ تعریف می‌شود.

$$HDI_{it} = ۰/۶۸۷۹ + ۰/۰۵۳۷PS_{it} + ۰/۰۸۹۸GE_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

که در این مدل، HDI شاخص توسعه انسانی، PS ثبات سیاسی و دوری از خشونت و GE اثر بخشی دولت است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج پژوهش نشان داد اگر متغیر حق اظهار نظر همراه با سایر متغیرها وارد مدل رگرسیون شود، معناداری ضریب آن بیشتر از ۰/۰۵ به دست می‌آید و از مدل حذف می‌شود و اگر در مدل رگرسیونی فقط کشورهایی با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار گنجانده شود، ضریب متغیر آزادی بیان و حق اظهار نظر معنادار خواهد شد، از این رو در معادله تخمین سطح توسعه انسانی از آن استفاده می‌شود. از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که برای افزایش سطح توسعه انسانی در کشورهای با تولید ناخالص داخلی کم، ارتقای شاخص حق اظهار نظر، آزادی بیان و پاسخ‌گویی دولت، اهمیت زیادی دارد. اغلب کشورهایی که در سطح بین‌المللی تولید

ناخالص داخلی کمی دارند، از نظام حکمرانی مناسبی برخوردار نیستند و گرایش‌های سیاسی اقتدارگرا در آنها غالب است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان پیش‌بینی کرد گسترش دموکراسی و آزادی بیان، موجب بهبود وضعیت توسعه انسانی در این کشورها شود.

اگر مدل تخمین به کشورهای با تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار در سال محدود شود، ضریب متغیر ثبات سیاسی در مدل (۰/۰۲۴۱) معنادار خواهد شد و در مطالعه تخمین سطح توسعه انسانی از آن استفاده می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد ثبات سیاسی و پیشگیری از خشونت در کشورهایی که تولید ناخالص داخلی پایینی دارند، اهمیت شایان توجهی دارد. این کشورها برای بهبود وضع شاخص توسعه انسانی، باید ثبات سیاسی را در درون مرزهای خود افزایش دهند و میزان وقوع خشونت را به حداقل برسانند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد برای کشورهای آسیایی جنوب غربی نیز مقدار این ضریب معنادار است. بدین ترتیب این دسته از کشورها نیز برای ارتقای جایگاه شاخص توسعه انسانی، باید ثبات سیاسی خود را بهبود بخشند.

بین ابعاد شش‌گانه حاکمیت خوب، متغیر اثربخشی دولت برای پیش‌بینی سطح شاخص توسعه انسانی در تمام معادلات پژوهش بیشترین اثر را دارد. مقدار این ضریب در معادله کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار برابر ۰/۱۴۰۷، در معادله کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار برابر ۰/۰۲۱۹ و در معادله کشورهای آسیای جنوب غربی برابر ۰/۰۸۹۸ است. بر اساس این نتایج، شاخص اثربخشی دولت یکی از ابعاد مهم ارتقای شاخص توسعه انسانی به کار می‌رود و همه کشورهای جهان برای بهبود جایگاه توسعه انسانی، باید بر اثربخشی دولت تمرکز کنند. شاخص اثربخشی حکومت، میزان موفقیت حکومت را در حمایت از نظام مبتنی بر بازار از طریق خط‌مشی‌گذاری مناسب می‌سنجد. برای این کار دولت باید نهادها و فرایندهای خود را به گونه‌ای نظم دهد که نیازهای جامعه را تأمین کند و به بهترین شکل از منابعی که در اختیار دارد، بهره‌بردارد.

شاخص کیفیت مقررات تنظیمی و بوروکراسی، شامل ابعادی مانند مقررات دست‌وپاگیر اداری، سطح مداخله دولت در اقتصاد، خط‌مشی‌های رقابتی و دسترسی به بازارهای سرمایه‌ای است. یافته‌های آزمون GLS نشان می‌دهد این شاخص در معادله تخمین سطح توسعه انسانی کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار معنادار نیست و از این معادله حذف شده است. شاخص کیفیت مقررات برای کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار اهمیت دارد و معنادار است. ضریب این شاخص در معادله برابر ۰/۰۲۱۱ است. درنهایت با توجه به یافته‌ها باید گفت این شاخص برای پیش‌بینی توسعه انسانی در کشورهای آسیای جنوب غربی کاربرد ندارد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با ایجاد قوانین مناسب

می‌توان بستر رشد توسعه انسانی را فراهم کرد. مقررات تنظیمی دولت سبب شفافیت ساختارها و سازوکارهای کنونی می‌شود. همچنین این مقررات و قوانین سبب برابری فرصت‌ها از طریق حذف رویه‌ها و سازوکارهایی که منشأ ایجاد نابرابری‌اند، می‌شود.

حاکمیت قانون به معنای تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهاست. حاکمیت قانون می‌تواند از طریق حمایت از زیرساخت‌های نهادی سبب توسعه بازار شود. حاکمیت قانون موجب می‌شود انگیزه‌های کار و سرمایه‌گذاری در کشور افزایش یابد. با توجه به یافته‌هایی که از اجرای آزمون‌ها به دست آمد، شاخص حاکمیت قانون برای توسعه انسانی در هیچ‌یک از معادله‌های پژوهش پیش‌بینی‌کننده مناسبی نیست. از این رو برای تخمین میزان توسعه انسانی کشورها باید از سایر ابعاد حکمرانی خوب استفاده کرد.

بر اساس نتایج پژوهش، ضریب شاخص مبارزه با فساد فقط برای معادله کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار معنادار است. این نشان می‌دهد کشورهای با سطح تولید ناخالص داخلی کم، باید فساد اداری حاکم در سیستم حکمرانی را کاهش دهند تا بر کاهش رشد غلبه کند. فساد اداری با ایجاد بی‌عدالتی، از سطح سواد و کیفیت آموزش در کشور می‌کاهد. همچنین فساد اداری سبب تمرکز قدرت در دست عده‌ای از سودجویان می‌شود و رفاه عمومی را کاهش می‌دهد. بنابراین، مبارزه با فساد می‌تواند موجب بهبود سطح توسعه انسانی در کشورها شود.

درصد کاربران اینترنت و میزان نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از متغیرهای پژوهش بود که به منزله متغیر تعدیل‌کننده در معادله‌های پژوهش وارد شد. این ضریب برای کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار برابر ۰/۰۰۶۶ و برای کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار برابر ۰/۰۰۱۷ به دست آمد. همچنین مقدار این ضریب برای کشورهای آسیای جنوب غربی معنادار نیست. از این رو می‌توان نتیجه گرفت توسعه فناوری ارتباطات از جمله اینترنت، می‌تواند به صورت مستقیم سبب افزایش سطح توسعه انسانی شود. فناوری ارتباطات و اطلاعات موجب افزایش دسترسی، تقویت کارایی و ارتقای پاسخ‌گویی دولت می‌شود.

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، قبلی نشان‌دهنده تشابه بین ابعاد و مدل‌های استخراج شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، شاخص «اثربخشی دولت» میان ابعاد شش‌گانه حکمرانی خوب اهمیت بیشتری دارد که در پژوهش‌های پیشین به این یافته اشاره شده است. برای مثال، شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۸۹) نشان دادند اثربخشی دولت بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر مثبتی می‌گذارد. یافته‌های سامتی، رنجبر و محسنی (۱۳۹۰) نشان داد

در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰، شاخص اثربخشی حکومت بر توسعه انسانی در کشورهای آسیای جنوب شرقی اثرگذار بوده است. یافته‌های برادران شرکا و مالک‌الساداتی (۱۳۹۰) و میرشجاعیان و رهبر (۱۳۹۰) حکایت از تأثیر شاخص اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی و افزایش کیفیت دارد. گیلبرت (۲۰۰۳) نیز نشان داد اثربخشی دولت عامل مؤثری بر عملکرد اقتصادی کشورهاست. بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، شاخص «کیفیت مقررات تنظیمی و بوروکراسی» شاخص مهمی برای پیش‌بینی توسعه انسانی کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار است. شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۸۹) نیز به تأثیر مقررات تنظیمی در ارتقای میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره کردند. یافته‌های سامتی و همکارانش (۱۳۹۰) نشان‌دهنده تأثیر شاخص مقررات تنظیمی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای آسیای جنوب شرقی است. گیلبرت (۲۰۰۳) نیز نتایج مشابهی را به‌دست آورده است.

شاخص حاکمیت قانون که از جمله شاخص‌های حکمرانی خوب است در هیچ‌یک از معادله‌های پژوهش معنادار نبود. این در حالی است که محققانی همچون سامتی و همکاران (۱۳۹۰)، کناک و کیفر (۱۹۹۵) و فنگ (۲۰۰۳) در کشورهای مورد مطالعه تأثیر این شاخص را بر توسعه انسانی تأیید می‌کنند.

چهارمین شاخص حکمرانی در این پژوهش شاخص مبارزه با فساد است. این شاخص فقط برای کشورهایی که سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار در سال دارند، معنادار به‌دست آمد. مطالعات قبلی مانند کناک و کیفر (۲۰۰۳)، فنگ (۲۰۰۳) و سوریادراما (۲۰۰۸)، گویای ارتباط بین شاخص مبارزه با فساد و سطح توسعه انسانی در کشورهای مختلف است.

پنجمین شاخص حکمرانی خوب شاخص ثبات سیاسی و دوری از خشونت است که مقدار ضریب آن برای کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار و کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی معنادار به‌دست آمد. سامتی و همکارانش (۱۳۹۰) نیز به تأثیر این شاخص بر توسعه انسانی در کشورهای آسیای جنوب شرقی اشاره کرده‌اند.

ششمین شاخص حکمرانی خوب با عنوان «حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی» مطرح شد. ضریب این شاخص فقط برای کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار معنادار به‌دست آمد. در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین به تأثیر این شاخص در پیش‌بینی توسعه انسانی کشورها اشاره نشده است. شاید در پژوهش‌های سابق، کشورها از نظر سطح تولید ناخالص داخلی سرانه دسته‌بندی نشده‌اند و تمام کشورها در معادله گنجانده شده‌اند.

نتایج پژوهش نشان داد شاخص اثربخشی دولت میان سایر شاخص‌های حکمرانی خوب اهمیت و اولویت بیشتری دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود خط‌مشی‌گذاران و متولیان امر به‌میزان

موفقیت خود در حمایت از نظام بازار توجه ویژه داشته باشند. همچنین باید مؤلفه‌هایی همچون توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی در زمینه حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت، در قانون توجه مدیران دولتی قرار گیرند. توجه به شاخص اثربخشی حکومت، سبب افزایش سطح رفاه عمومی و ارتقای شاخص‌های امید به زندگی مردم خواهد شد.

کشورهایی که در منطقه آسیای جنوب غربی قرار دارند، باید علاوه بر شاخص اثربخشی دولت، بر شاخص ثبات سیاسی و دوری از خشونت نیز توجه کنند. بهبود سطح ثبات سیاسی در این کشورها سطح توسعه انسانی را تا حد زیادی افزایش خواهد داد. اهمیت شاخص ثبات سیاسی میان کشورهای آسیای جنوب غربی - که به‌طور عمده از بی‌ثباتی سیاسی رنج می‌برند - به‌وضوح مشاهده می‌شود. بهبود سطح ثبات سیاسی ضمن کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، مشوق توسعه اقتصادی را به‌دنبال دارد. همچنین ثبات سیاسی از مهاجرت نخبگان می‌کاهد و به بهبود سطح توسعه انسانی منجر می‌شود.

پیشنهاد اجرایی پژوهش حاضر برای کشورهایی که سطح سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۶۸۰۰ دلار دارند، این است که علاوه بر شاخص اثربخشی دولت، باید شاخص کیفیت مقررات تنظیمی و بوروکراسی را بهبود دهند؛ به‌گونه‌ای که مقررات دست‌وپاگیر اداری را لغو کنند و مداخله دولت در اقتصاد را کاهش دهند. همچنین باید خط‌مشی‌های رقابتی و دسترسی به بازارهای سرمایه‌ای فراهم شود. مقررات تنظیمی دولت‌ها باید از ویژگی شفاف‌تر کردن ساختارهای کنونی برخوردار باشند.

دسته آخر از پیشنهادها خط‌مشی‌گذاران پژوهش حاضر به کشورهای با سرانه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۸۰۰ دلار اختصاص دارد. این کشورها باید به تعداد بیشتری از شاخص‌های حکمرانی خوب توجه کنند. در این کشورها باید چهار شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و دوری از خشونت، اثربخشی دولت و مبارزه با فساد در اولویت قرار گیرد. از این رو پیشنهاد می‌شود این کشورها بر بهبود این چهار شاخص تمرکز کنند.

References

- Abbasi Nejad, H. & Rafiee Emam, A.N. (2006). Evaluation of indicators of human development in rural areas. *Journal of Economic Research*, 72: 31-54. (in Persian)
- Afshani, A., Ebrahimipoor, S. & Askari Nadooshan, A. (2011). Comparison of human based on development indices in the rural areas of the country in 1375

- and 1385. *Quarterly journal of development and rural*, 14(3):1-18. (in Persian)
- Anand, S. & Sen, A. K. (1996). Sustainable human development: concepts and priorities. *Office of development studies discussion paper*. No 1. New York: UNDP.
- Baradaran Shoraka, H. & Malek al-sadati, S. (2008). The impact of good governance on economic growth in selected countries. *Journal of Strategy*, (49): 27-52. (in Persian)
- Bennedsen, M. & Malchow-Moller, N & VintenF. (2005). Institutions and Growth: a Literature Survey. *Center for Economic and Business Research (CEBR)*.
- Bridges.org. (2005). *E-Ready for What? E-Readiness in Developing Countries: Current Status and Prospects toward the Millennium Development Goals*. Cape Town: Bridges.org.
- Dabbaq, S. & Nafari, N. (2009). The explanation of Good concept of good governance. *Journal of Public Administration*, 1(3): 3-18. (in Persian)
- Ebrahimpoor, H. & Roshandel Arbatani,T. (2008). Explaining the Role of the National Media(IRIB) in Sustainability Governance Model in Iran. *Jouranal of Public Administration*, 0(1): 43-62. (in Persian)
- Engerman S.L & Sokoloff, K.L. (2005). Colonialism, Inequality and long-run paths of development. *Working Paper 11057*. National Bureau of Economic Resesarch. Cambridge, MA.
- Feng, Y. (2003). *Democracy, Governance and Economic Performance: Theory and Evidence*. Cambridge: MA, MIT Press.
- Fosu, A.K. (2001). Political Instability and Economic Growth in Developing Economies: Some Specification Empirics. *Economics letters*, 70(2): 289-294.
- GeoSINC. (2002). *e-Readiness Guide-How to Develop and Implement a National e-Readiness Action Plan in Developing Countries*. Washington, DC: infoDev - The World Bank. GeoSINC International.
- Gilbert, N. (2003). *Trade openness policy, Quality of institutions and economic growth*, University Auvergne Clermont, Frrand, France.
- Grindle, S. M. (2007). Good enough governance revisited. *Development Policy Review*, 25(5): 553-574.
- Hosseini, M.A. (1994). Human Development Index in rural provinces in the national and global scale. *Jihad*, 17: 9-17. (in Persian)
- Johnson, R. W. & Minis, H. (1990). *Toward democratic decentralization*. USA ID Washington.

- Knack, S. & Keefer, P. (1995). Institutions and Economic Performance: Cross Country Tests Using Alternative Institutional Measures. *Economics and Politics*, 7: 207-227.
- Mahany, A.S., Barouni, M., Mohammadzadeh, A., Mashali, B. & Rezapour, A. (2010). Comparing of townships efficiency of Kerman province in accessing to human development index (HDI) via Data Envelopment Analysis (DEA) - 2001& 2007. *Teb va Tazkieh*, 76: 46-101.
- Mahmoodi, M.J. (2008). *Measurmenet of human-development index: the country, Tehran province and its sub-cities. Quarterly journal of population*, (67-68): 81-118. (in Persian)
- Matsuo, H. (2005). *The Rule of Law and Economic Development: A Cause or a Result?* In *The: Role of Law in Development: Past, Present and Future*, ed. Y. Matsuura, CALE Books 2. Nagoya: Nagoya University.
- Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110: 681-712.
- Meydari, A. & Kheirkhahan, J. (2004). *Good Governance*. Majlis Research Center.
- Mirshojaeyan Hosseini, H. & Rahbar, F. (2011). Understanding Ali's relationship among good governance components in the countries which are at the risk of natural resource curse. *Nameye Mofid*, No 87.
- Moghimi, S.M. & Alayee, M. (2011). Assessing the criteria of good governance and the role of government in promoting it. *Quarterly Journal of Information Technology Management*, 3(8): 171-188. (in Persian)
- Noorbakhsh, F. (2002). Human development and regional disparities in Iran: a policy model. *Journal of international development*, 14 (7): 927-949.
- Polat, R.K. (2005). The Internet and Political Participation Exploring the Explanatory Links. *European Journal of Communication*, 20(4): 435-459.
- Qolipoor, R.A. (2004). Feasibility analysis and good governance with emphasis on the role of government in Iran. *Management Knowledge*, 67: 85-111.
- Renani, M. (2003). The government's role in institutional reforms through legislation. *The parliament and research*, 10(39): 13-30. (in Persian)
- Rizk, N. (2004). *E-Readiness Assessment of Small and Medium Enterprises in Egypt: A Micro Study*. Cairo.
- Roy, I. (2008). Civil society & good government. Re conceptualizing the interface. *World development*, 36 (4): 667-705.
- Sabaq Kermani, M. & Baskha, M. (2009). The role of good governance in improving the functioning of government expenditure: Case study: Islamic

- countries health and education sectors. *Journal of Economic Research*, 4(1): 109-130. (in Persian)
- Sagar, A. D. & Najam, A. (1997). The human development index: a critical Review. *Ecological Economics*, 25: 249-264.
- Sameti, M., Ranjbar, H. & Mohseni, F. (2011). The analysis of the impact of good governance on the Human Development Index; Case Study; Southeast Asian countries. *Quarterly journal of research growth and economic development*, 1(4): 183-223. (in Persian)
- Shahabadi, A. & Pourjavan, A. (2010). Rule, competitiveness and economic growth in selected countries. *Strategy Development Journal*. 22: 129-168. (in Persian)
- Suryadarma, D. (2008). Corruption, Public Spending and Outcomes: Evidences from Indonesia, Economics and Democracy Conference. *The Australian National University*, Canberra.
- Taqvayee, M. (2006). Analysis and classification of rural areas in the provinces on the basis of human development indicators. *Geographical Investigation*, 82: 28-44. (in Persian)
- Taqvayee, M. & Noroozi Avargani, A. (2010). Determining the level of analysis to rural areas nationwide by using numerical taxonomy and cluster analysis method. *Planning Welfare and social development*, 5: 91-116. (in Persian)
- The Economist Intelligence Unit (EIU). (2010). *Digital economy rankings 2010 beyond e-readiness*. London: Economist Intelligence Unit.
- UNDP. (2013). *Human Development Report 2013: The Rise of the South: Human Progress in a Diverse World*. Available online: <http://hdi.undp.org>.
- WDI. (2007). World Development Indicators. *The World Bank*, Washington DC. 19. (1): 46-58.
- Ziaepour, E., Taghizade, A., Bazazan, F., Khoshalhan, F. & Mohamadian, A. (2009). *Sixth International Conference on Information Technology: New Generations*. pp: 993-998. IEEE Computer Society.